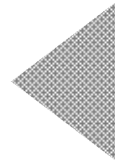


هم‌کنشی سیاست پژوهی؛ حلقه مفقوده در فرآیند نظام برنامه‌ریزی توسعه ایران



محمدعلی شاپورآبادی^۱

سیده لیلا متقی^۲

(تاریخ دریافت ۱۴۰۰/۷/۱۵ - تاریخ تصویب ۱۴۰۱/۴/۱۴)

نوع مقاله: علمی ترویجی

چکیده

با وجود اهمیت و جایگاه تفکرات علمی و نقش بارز پژوهش در سیاست‌گذاری‌های توسعه، بازتاب وضع موجود و آسیب‌شناسی عدم تحقق اسناد و برنامه‌های توسعه کشور، از نوعی ناکارکردی و یا بدکارکردی و یا عدم بکارگیری یافته‌ها و توصیه‌های سیاستی در فرآیند تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری توسعه و عدم تعامل و هم‌کنشی سیاست‌پژوهی در سطوح بالادستی (فراقوه‌ای) حکایت دارد که اغلب باعث شده سیاست‌گذارها از قابلیت اثربخشی در فرآیند توسعه برخوردار نباشند. با این وصف، نوشتار حاضر که با روش اسنادی و بر پایه تحلیل ثانویه داده‌های کیفی حاصل از مطالعه فراتحلیلی بر آسیب‌شناسی‌های برنامه‌های توسعه در ایران (۱۳۹۳) در راستای شناسایی آسیب‌هایی که مرتبط با فقدان هم‌کنشی سیاست‌پژوهی در برنامه‌های توسعه ایران از یک سو و شناسایی کاستی‌های مربوط به تعدد و موازی‌کاری‌های نهادها و دستگاه‌های دارای مراکز سیاست‌پژوهی و عدم انسجام اسناد و برنامه‌های توسعه‌ای از

۱- دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه اصفهان، رئیس گروه پژوهش و آینده نگری سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان قم (نویسنده مسئول) ahshapoorabady@gmail.com

۲- کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی دانشکده هدی قم

دیگر سو سازماندهی گردیده است. مهم‌ترین یافته‌ها نشان داده است از بین ۹۹ آسیب و ایراد بررسی شده در مطالعه فراتحلیلی بر آسیب‌شناسی برنامه‌های توسعه ایران (۱۳۹۳)، ۳۸ آسیب و ایراد مربوط به جنبه‌های مطالعاتی و پژوهشی و از سنخ سیاست‌پژوهی شناسایی گردید. به دیگر سخن ۳۸/۴ درصد از آسیب‌های برنامه‌های توسعه و عدم تحقق اسناد و برنامه‌های توسعه کشور معطوف به کاستی‌های مطالعاتی در سطوح تهیه برنامه‌های توسعه؛ پیش از برنامه‌ریزی، سطح محتوایی، سطح فرآیندی و سطح اجرایی است. در این راستا بیشترین کاستی و آسیب‌های مطالعاتی و سیاست‌پژوهی مربوط به سطح محتوایی برنامه‌ریزی با ۶۹/۲ درصد و کمترین با ۲۴ درصد مربوط به سطح پیش‌نیازهای برنامه‌ریزی مشخص شده است. به منظور ظرفیت‌سازی و زمینه‌سازیها و جلوگیری از موازی‌کاریها، مهندسی بالادستی (فراقوه‌ای) هم‌کنشی سیاست‌پژوهی و نظارت‌پژوهی در سیاست‌گذاری‌های توسعه کشور به عنوان نخستین گام در بازنگری نظام برنامه‌ریزی توسعه در ایران با تاکید بر برنامه هفتم توسعه ضروری است.

واژگان کلیدی: سیاست‌پژوهی، هم‌کنشی، نظام برنامه‌ریزی توسعه، ایران

۱- مقدمه و طرح مساله

سیاست‌گذاری و تعیین سیاست دولتی به دلیل ماهیت پیچیده مسائل عمومی، نیازمند ابزارها و روش‌های علمی است. سیاست (خط مشی) عمومی به مجموعه‌ای از اقدامات نسبتاً پایدار، ثابت و هدفمند دولت برای حل مشکلات یا دغدغه‌های عمومی اطلاق می‌شود (اندرسون^۱، ۲۰۱۱: ۷). سیاست‌های عمومی، نوعی مداخله در حیطه منابع و اختیارات و حقوق ذی‌نفعان اجتماعی است و منافع شهروندان و گروه‌های اجتماعی و حتی نسل‌های آتی را تحت تاثیر قرار می‌دهد؛ بنابراین انتظار معقول این است که نه تنها دلایل هنجاری رضایت بخش و مشروعیت اجتماعی لازم برای این کار خطیر را داشته باشند، بلکه باید اهداف سیاسی را بر مبنای مدلی علمی توجیه کنند. به بیان دیگر، سیاست‌گذاری باید مبتنی بر تفکری علمی و با پشتوانه پژوهش‌های معتبر علمی و اجتماعی باشد (فراستخواه، ۱۳۹۲: ۲). با ظهور علم خط مشی، این عقیده شکل گرفت که

1 . Anderson

مشکلات عمومی باید به طور نظام‌مند بررسی و تجزیه و تحلیل شوند (رویکرد عقلانی) و خط مشی‌ها باید بهبود یابند و موثرتر شوند (آنتیزف^۱، ۲۰۰۷، ۱۰). در همین راستا پژوهشگران بسیاری هر یک به نوبه خود، عوامل موثری را در سیاستگذاری موفق بیان کرده‌اند که در این منابع، به عامل عقلانیت و اتکاء به پشتوانه های علمی و پژوهشی در سیاستگذاری تاکید جدی شده است (امیری فرح آبادی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۴). روش علمی برای پرداختن به مسائل و مشکلات اجتماعی، سیاست پژوهی است. در واقع سیاست‌پژوهی، ساز و کار تزریق عقلانیت حرفه‌ای به چرخه خط مشی گذاری است (قلی پور و همکاران، ۱۳۹۱). امروزه مسائل و مشکلات عمومی به اندازه‌ای دارای ماهیت پیچیده و چند بعدی است که بدون مطالعه علمی درباره‌ی آن نمی‌توان راه‌های مناسبی (قانون یا سیاست) برای حل آنها، تعیین نمود. بنابراین باید ضمن برقراری رابطه میان دانش و سیاستها، از روش‌های مختلف برای عملی کردن سیاستها، استفاده کرد. به منظور برقراری ارتباط مناسب بین حوزه سیاستگذاری و حوزه علم و دانش و هم چنین برای علمی کردن سیاست‌ها، روشهای مختلفی پیشنهاد می‌شود. یکی از این روش‌ها، استفاده از روش علمی پژوهش در فضای سیاستگذاری است که به آن روش سیاست پژوهی گویند در این روش سیاستها قبل از انتخاب توسط نهادهای پژوهشی مورد بررسی قرار می‌گیرد. سیاست پژوهی، پلی است بین سیاستگذاران و اندیشمندان علوم مختلف برای بهینه کردن آثار سیاستهای اتخاذ شده، تا از این طریق در روند توسعه‌ی جامعه تسریع شود. سیاست پژوهی روش علمی و محققانه (به جای روش سیاسی) پژوهش در امر سیاستگذاری است. این روش می‌تواند با ژرفانگری، توصیه‌های علمی مناسبی به سیاستگذاران ارائه نماید. در سالهای اخیر، نهادهای سیاستگذاری تلاش زیادی در جهت استفاده از روش سیاست پژوهی به منظور علمی نمودن سیاستها، نموده‌اند (قلی پور و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۲۸).

بازتاب وضع موجود و آسیب شناسی عدم تحقق برنامه های توسعه کشور، حکایت از نوعی ناکارکردی و یا بدکارکردی در علمی کردن سیاستها در نظام برنامه‌ریزی توسعه دارد. در این میان یکی از دلایل عمده این ناکارکردی و بدکارکردی در سطوح نهادی و ساختاری، کاستی‌ها و ناکارآمدهای موجود در نهادهای تصمیم‌گیرنده و تصمیم‌ساز است به طوری که بر اساس

مطالعات آسیب‌شناسی‌های انجام شده یکی از مهمترین دلایل عدم موفقیت و عدم تحقق برنامه‌های توسعه به عدم استفاده از توصیه‌های سیاستی ناشی از مطالعات و پژوهش‌های معتبر در قالب قوانین یا سیاستها است. به سخنی روشن‌تر، چنین به نظر می‌رسد که در فرایند تصمیم‌گیری نظام برنامه‌ریزی توسعه حلقه گمشده‌ای وجود دارد که موجب ایجاد گسست میان تولید کنندگان پژوهش و برنامه‌ریزان و یا کاربران آن شده است. نتیجه آن که اغلب مشاهده می‌شود که یافته‌های پژوهشی نهادهای تولید دانش و پژوهش در قلمرو برنامه‌ریزی توسعه کمتر در تصمیم‌گیری‌ها به کار بسته می‌شود؛ یا یافته‌ها در قالب اسناد برنامه‌ای و توسعه (قانون یا سیاست) کار بست می‌یابند که به دلایل مختلف که در اینجا بیشتر کیفیت و محتوای اسناد و انجام مطالعات مطرح است قابلیت اثربخشی در فرایند برنامه‌ریزی و توسعه کشور با توجه به عدم تحقق برنامه‌های توسعه ایفا نمی‌نمایند. در همین راستا اغلب با وجود مراجع و مراکز فراوان مطالعاتی و پژوهشی مرتبط، بین مراکز و مراجع پژوهشی هم‌کنشی و تعامل، هماهنگی و هم‌افزایی نیز وجود ندارد.

۲- روش‌شناسی پژوهش

روش مطالعه در نوشتار حاضر توصیفی، تحلیلی و روش اسنادی است. بدین معنا که از منابع مکتوب و اسناد توسعه و مدارک معتبری که درباره موضوع تحقیق انتشار یافته در حد امکان استفاده شده است. در بخشی از این نوشتار از تحلیل ثانویه که در واقع یکی از روش‌های گردآوری اطلاعات و بهره‌گیری از داده‌هایی که از سوی دیگران برای هدف‌های متفاوت تولید شده، از داده‌های کیفی مربوط به مطالعه فراتحلیلی بر آسیب‌شناسی‌های برنامه‌های توسعه در ایران (۱۳۹۳) در راستای شناسایی آسیب‌هایی که مرتبط با عدم استفاده از یافته‌های پژوهشی و نیز فقدان هم‌کنشی سیاست‌پژوهی در برنامه‌های توسعه ایران است بهره برده شده است. هم‌چنین این نوشتار شناسایی مهم‌ترین نهادها و مراکز سیاست‌پژوه مرتبط با برنامه‌ریزی توسعه با مراجعه به سامانه‌های این نهادها و مراکز و نیز بررسی میزان هم‌پوشانی و انسجام اسناد برنامه‌ای و توسعه ای کشور را در دستور کار قرار داده است.

۳- چارچوب نظری و پیشینه تحقیق

۳-۱- مفهوم‌شناسی سیاست پژوهی

سیاست پژوهی^۱ آمیزه‌ای از علم و فن و هنر است. علم مجموعه‌ای از نظریه‌ها، مفاهیم و اصول روش‌شناسی است؛ فن مجموعه‌ای از تکنیک‌های کارآمد، قواعد تجربی و سرانگشتی، و شیوه‌های عملیاتی استاندارد دانسته می‌شود؛ و هنر آهنگ، سبک و شیوه کار فرد است. این بدان معنی است که سیاست پژوهی فقط منحصر به یک شیوه نیست (جاودانی، ۱۳۹۱: ۴۲).

سیاست پژوهی نیز فرایند اجرای پژوهش در باب مسئله اجتماعی مهمی یا بازکاوی مسئله اجتماعی مهم است. به سخنی دیگر، سیاست پژوهی به منظور ارائه توصیه‌های عملی و توصیه‌های معطوف به عمل به سیاست‌گذاران برای حل یک مسئله است. در حالی که پژوهش بنیادی اجتماعی عموماً در گروه‌های علمی دانشگاه‌ها اجرا می‌شود؛ پژوهش فنی اجتماعی در برگیرنده طرح‌هایی است که برای حل مسائل بسیار مشخص و محدود، همچون اندازه مناسب نیروگاه برق یا مناسب‌ترین نظام پاسخگویی برنامه‌های خدمات اجتماعی تنظیم می‌شود. تحلیل سیاست مطالعه فرآیند سیاست‌گذاری است در حالی که سیاست پژوهی در برگیرنده مطالعاتی است که برای ارائه توصیه‌های سودمند به سیاست‌گذاران، همه اقدامات ممکن در حل مسئله بررسی و بازکاوی انتقادی می‌کند. بدین ترتیب، فقط اقداماتی توصیه می‌شوند که مناسب‌ترین اقدام‌اند.

سیاست پژوهی به سبب گرایش عملی زیاد خود با پژوهشی فنی همانندی می‌کند. گاهی هم سیاست پژوهی با پژوهش ارزیابانه، به دلیل این که هر دو با برنامه‌های اجتماعی سروکار دارند، در حالی که باید توجه داشت تحقیق‌هایی که رویکرد ارزیابی دارند در پی قضاوت در باره سودمندی برنامه‌های موجوداند و سیاست پژوهی به بررسی مسئله اجتماعی ویژه‌ای می‌پردازد که در پی یافتن راه‌های گوناگون حل مسئله است. خلاصه، سیاست پژوهی تحقیق درباره مسائل اجتماعی اساسی و مهم برای نیل به روندهای عملی واقع بینانه در حل و کاهش این مسائل است (سلو^۲، ۲۰۰۵: ۴۰۵-۴۰۴). اگر چه، این باور در ذهن اغلب پژوهشگران و سیاست‌پژوهان و

1 - Policy research

2 . Cillo

شماری از سیاست‌گذاران نقش بسته است که همکاری میان آنها موجب بهبود فرایند تصمیم‌گیری، سیاست‌گذاری و قانون‌گذاری از یک سو، و پژوهش از سوی دیگر می‌شود و در واقع می‌تواند مسیر توسعه جوامع را به گونه‌ای ترسیم کند که با چالش‌ها و کاستی‌های کمتری روبرو شوند، نمونه‌های همکاری کامیابانه اندکی در این زمینه به چشم می‌خورد. این در حالی است که نشریات علمی بر نقش و اهمیت بهره‌برداری از پژوهش‌های اجتماعی پای می‌فشارند و بر این باورند که این نوع بهره‌برداری نقش حیاتی در کمک به بهبود کیفیت زندگی و عدالت اجتماعی دارد (ازگا^۱، ۲۰۰۷: ۴۱).

یکی از دلایل اصلی که موجب کاهش اثربخشی تصمیم‌سازی و سیاست‌پژوهی و کاهش هم‌کنشی میان سیاست‌گذاران و سیاست‌پژوهان می‌شود- که در عرصه جهان واقعیتها گاه گریز ناپذیر است- زیستن آنها در جهان‌های متفاوت، با سپهرهای اندیشه‌ای متفاوت و حتی گفتمان‌های متفاوتی است که استفاده از زبانها، ارزش‌ها و پاداش‌های حرفه‌ای متفاوتی را پدید می‌آورد (جاودانی، ۱۳۹۱: ۵۴).

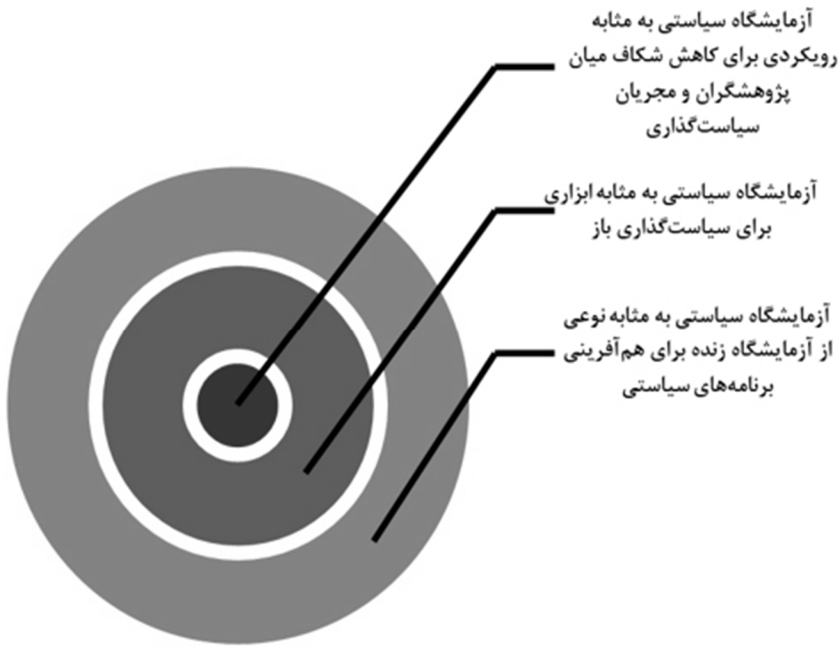
نظریات معطوف به برساخت اجتماعی فناوری، فناوری و جامعه را متأثر از یکدیگر می‌یابند و از این حیث نقش ویژه‌ای برای مردم در شکل دادن به فناوری قائل هستند. از این رو می‌توان نگاه برساخت‌گرایانه به فناوری را که در آن به جای اینکه محصول فناورانه، کاربر را دچار تغییر کند، کاربر فناوری به محصول مورد نظر خود شکل می‌دهد، ریشه فلسفی مباحث حوزه نوآوری کاربرمحور دانست. بعدها با شکل‌گیری شهرهای دیجیتال و پیچیده شدن موضوعات در سیاست‌گذاری عمومی، محور قرار دادن کاربران در طراحی رفته‌رفته جای خود را در حوزه سیاست‌گذاری دولت‌ها نیز باز کرد و مفهوم آزمایشگاه‌های سیاستی^۲ با هدف دخیل کردن مردم در طراحی و اجرای برنامه‌های سیاستی متولد شد.

آزمایشگاه‌های سیاستی ساختارهای نوظهوری هستند که سیاست‌های عمومی را به شیوه‌ای مبتکرانه مبتنی بر طراحی، به ویژه با مشارکت شهروندان و شرکت‌هایی که در بخش‌های دولتی فعالیت می‌کنند، تدوین می‌کنند. آزمایشگاه‌های سیاستی از طریق شبکه‌ها، مشارکت‌ها، اتحادها و همکاری‌های مابین بخش‌های مختلف عمل می‌کنند و بین منابع متنوعی از حوزه‌های سیاسی،

1 . Ozga

2 . Policy Labs

دانشگاهی و... پیوند می‌زنند و در هسته‌ی اصلی فعالیت‌های آن‌ها، از تخصص‌های فنی همچون علوم داده، تحقیقات مبتنی بر طراحی، مطالعات رفتاری و... بهره گرفته می‌شود. شکل زیر کارکردهای آزمایشگاه سیاستی را به اختصار نمایش داده است.



منبع: سایت مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور

۲-۳- رابطه بین فرآیند سیاست‌گذاری و پژوهش

رابطه بین پژوهش و سیاست‌گذاری پیچیده است. برخی بر این باورند که پژوهش همیشه در خدمت سیاست‌گذاری نیست و نباید باشد. محققان؛ تکنسین یا مهندس اجتماعی نیستند و نمی‌توان و نباید از آنها انتظار داشت جامعه را یک‌شبه تغییر دهند. اما در کنار این دیدگاه، نمونه‌های بسیار زیادی هم در ایران و هم در خارج از ایران وجود دارد که پژوهش و سیاست‌گذاری با موفقیت دست به دست یکدیگر داده‌اند. در بعضی از این موارد، رابطه بین پژوهش و سیاست‌گذاری متکی به سالها پژوهش و رشد خرد جمعی در میان سیاست‌گذاران بوده است. در نهایت باید توجه داشت که رابطه بین علم و سیاست یا پژوهش و سیاست‌گذاری ساده و مستقیم نیست، بسیاری از

تحقیقات به سیاستگذاری تبدیل نمی‌شوند و بسیاری از سیاستها بر پژوهش مبتنی نیستند. عوامل سیاسی، ایدئولوژیک، سازمانی و هم چنین ضعف تحقیقات باعث می‌شود که رابطه تحقیقات و سیاست‌گذاری گسسته شود. ولی هیچکدام از این‌ها، بدین معنا نیست که نباید برای تحقیقات بودجه‌ای صرف کرد برعکس؛ تاثیر تحقیقات بر سیاست و سیاستگذاری معمولاً بلند مدت، کند و نامحسوس است. سیاست‌گذاران فعلی و آینده از طریق تحصیلات رسمی، سمینارها، گپ‌های خصوصی، مشاور، مطبوعات، فضای فکری جامعه و ... با تحقیقات روز آشنا می‌شوند. هر چه این تحقیقات غنای کمی و کیفی بیشتری داشته باشند امکان تاثیر مستقیم و غیر مستقیم آنها بیشتر می‌شود. در کنار تحقیقاتی که معطوف به راه‌حل‌های عینی کوتاه مدت‌اند باید جا و بودجه برای تحقیقات به طور کلی باز باشد تا بتوانند رفته رفته فضای فکری و دیدگاه مردم و مسئولان را تغییر دهند (بیات ریزی، ۱۳۹۰، ۴۱).

سیاست‌گذاران آگاه که سالها در جریان تحقیقات قرار گرفته‌اند معمولاً خود می‌توانند با استفاده مستقیم و غیر مستقیم از این تحقیقات و بدون نیاز به کمک مستقیم محققان راه‌های عملی برای حل مشکلات خود پیدا کنند. با این وجود باید رابطه بین پژوهش و سیاست رابطه‌ای پیچیده دانست که بر عملی بودن و کاربردی کردن پژوهش‌ها می‌تواند اثرگذار باشد اگر چه هنوز راه طولانی برای مورد استفاده قرار دادن حتی پژوهش‌های کاربردی از سوی سیاست‌گذاران وجود دارد و دانش گذشته و تجربه و روابط بر تصمیم‌گیریها سایه افکنده و در این راستا سیاستگذاری بر مبنای پژوهش را با چالش روبرو می‌کند، این موضوع به همراه ضعف دانش فنی ارزیابی سیاستها (که عمدتاً بر مبنای کارکارشناسی که فاقد ابزارهای فنی مجهز به مانند پژوهشگران علوم اجتماعی هستند و نیز به روز رسانی و تعدیل سیاستها و هم‌رایی سیاستمداران به جای بازنگری سیاستها بر مبنای پژوهش‌ها) پاره‌ای از آسیبها و عدم تحقق سیاستها و برنامه‌ها را به خود اختصاص می‌دهد (امامی میبدی و اشتریان، ۱۳۹۳: ۲۸؛ بیات ریزی، ۱۳۹۰: ۲۹-۲۷). برای نمونه بسیاری از مشکلات اقتصادی کشور در سیاستگذاری اقتصاد کلان کشور است در حالی که در کشور مرکز مطالعاتی منسجم و مشخصی وجود ندارد تا امر تهیه و ارزیابی الگوهای کوتاه مدت و بلند مدت اقتصاد سنجی را با توجه به عملکردها و پیامدهای آن در دستور کار قرار دهد (توفیق، ۱۳۸۵). در این راستا جا دارد برنامه‌های توسعه کشور با دقت به مراتب بیشتری از آنچه که در گذشته معمول بوده است یعنی با پژوهش‌ها و مطالعات گسترده‌تر و ژرف‌تر و به طور دائمی (و نه

با عجله در سالهای پایانی برنامه جاری (با رایزنی‌های گسترده‌تر و همراه با تقویت، هم‌افزایی و اجماع نهادها و مراکز سیاست‌پژوه موجود تهیه و تدوین گردد.

۳-۳ - علل شکست طرحها و برنامه‌های توسعه و سیاست‌پژوهی از دیدگاه خبرگان و تجربیات مورد مطالعه

پژوهشگران و اندیشمندان رشته‌های مختلفی هر کدام از دیدگاه متفاوتی به علل شکست برنامه‌های توسعه پرداخته‌اند؛ برخی ویژگی‌های تاریخی زمینه‌ای ایرانیان (مانند ویژگی‌های شخصیتی، فرهنگی و ...)، برخی عدم حضور همه تخصص‌ها در تدوین برنامه را عامل عدم توسعه می‌دانند. از طرف دیگر اقتصاددانانی مانند مرحوم عظیمی ریشه مشکلات برنامه‌ریزی در ایران را جامع بودن آن می‌دانستند و برنامه‌ریزی هسته‌های کلیدی را راه حل این مشکل می‌دانستند. سریع القلم نیز گذشته استبدادی و مشکلات فرهنگی ناشی از آن، عدم وجود عقلانیت و نیز عدم همراهی نخبگان فکری و ابزاری را از علل عدم توسعه در ایران و شکست برنامه‌های توسعه می‌دانند (آقاجانی، ۱۳۹۳). فرشاد مومنی نقطه آغازین توسعه در ایران را، اصلاح سازه‌های ذهنی عموم مردمان جامعه و در هر جایگاه و مقام اجتماعی می‌داند. رنایی معتقد است توسعه نیافتگی کشور را باید در دوران کودکی جستجو کرد. به باور وی در این صد سال - تبدیل به جامعه مدرن شده‌ایم - در صنعت، کشاورزی و آموزش عالی و... سرمایه‌گذاری کردیم و از فناوری‌های جدید نیز بهره بردیم اما کار مهمی که صورت نگرفت این بود که ما انسان توانمند پرورش ندادیم و نتیجه آن تحویل مدیران، بخش خصوصی و صنعتگران و سیاستمداران ناتوان به جامعه شد. نیلی به بررسی ابرچالش‌های حوزه اقتصادی پرداخته و علت ایجاد ابرچالش‌های امروز را ساختار اقتصاد دانسته و اذعان داشته این مشکلات را کسی از بیرون به ما تحمیل نکرده، بلکه حاصل تصمیمات غلط خود ما در سال‌های گذشته بوده است. فاضلی مسئله انباشت ناکارآمدی را مطرح نموده و بر این باور است که وضع پیش‌آمده محصول عوامل مختلفی است؛ نخستین عامل «انباشت ناکارآمدی» است، در اینبار برخی معتقدند که این مسئله «احساس ناکارآمدی» است، اما به زعم وی این «خود ناکارآمدی» است. دینی ترکمانی مسئله شکست نظام‌مند را طرح کرده و معتقد است اقتصاد و جامعه ایران درگیر پدیده‌ای به نام شکست در هماهنگ‌سازی سیاستی و شکست نظام‌مند است. بدین معنا که اجزای سیستم یا نظام هماهنگی

لازم را ندارند.

حداد بر این باور است ابتدا باید ابر مسئله شناسایی شود. چرا که تا ابر مسئله حل نشود باقی مسائل نیز حل نمی‌شود. بدین معنا که حل مسائل کوچک و خرد به حل ابر مسئله وابسته است و یا به نوعی آن عامل تمامی مسائل دیگر است. در گذشته ادبیات قابل توجهی در حوزه چالش‌های مسائل اقتصاد سیاسی ایران و راهکارهای آن تولید شده که تا حدودی اجماع نسبی نسبت به آن وجود داشته است، اما چرا این‌ها هیچ وقت به نتیجه نمی‌رسند؟ این به دلیل آن ابر مسئله است. تصور کنید تمام برنامه‌ها به وسیله یک دولت منظم، علمی و با پشتوانه تجربی، نظری و اجرایی خیلی قوی سرکار بیاید. اما او حداکثر می‌تواند قبل از این جابجایی را تضمین کند، ولی هیچ‌گاه منجر به تغییر بزرگ نخواهد شد. چرا که ابر مسئله ما حل نمی‌شود و این ابر مسئله بر می‌گردد به اینکه از نظر ساختاری ما فاقد انسجام و یکپارچگی هستیم.

به اعتقاد ندری نگرش و تفکر اقتصادی، اصلی‌ترین گره اقتصاد ایران است که منشا بروز و ظهور بسیاری از معضلات اقتصادی شده است. این نگرش باید براساس اصول علمی اقتصاد و بر مبنای تجارب جهانی اصلاح شود. بررسی نگرش اقتصادی در دولت‌های مختلف نیز نشان می‌دهد که تنها چهره‌ها تغییر می‌کنند، اما بینش و نگرش به اقتصاد تغییری نکرده است. به زعم وی بسیاری از تصمیمات مهم و تاثیرگذار شخص محور است و زمانی که این تصمیمات اتخاذ می‌شود، مدیران بدون هیچ پرسشی اجرای آن را وظیفه خود می‌دانند. اما در صورتی که این تصمیمات اشتباه باشد، دیگر امکان تصحیح آن وجود ندارد و اگر تبعات منفی آن ظاهر شود، با نقش سایر قدرت‌های متعارض توجیه می‌شود.

به باور صرافی و نجاتی (۱۳۹۲) عدم توجه دولتمردان به بسیاری از ظرفیت‌های محلی و منطقه‌ای موجبات توسعه نیافتگی ایران با نوعی تمرکزگرایی همراه کرده است که در نظام برنامه‌ریزی کشور نیز بازتاب داشته است. به زعم ایشان کاستی‌های طرح‌ها و برنامه‌ها و نظام مدیریت فضایی منطقه‌ای ایران را می‌توان در سه گروه کاستی‌های مربوط به زمینه‌ها و ظرفیتهای جامعه در بین مدیران، کارشناسان و شهروندان، گروه دوم کاستی‌های مربوط به نظام مدیریتی کشور (شامل مدیریت و برنامه‌ریزی فضایی و بخشی) و گروه سوم مربوط به نظام مدیریت فضایی (نبود هماهنگی بین طرح‌ها و برنامه‌های توسعه با تقسیمات سیاسی) طبقه‌بندی نمود.

ثامنی (۱۳۹۸) در نوشتاری از رویکردی تقریباً آمایشی و همه‌جانبه به ریشه‌های شکست برنامه

های دولتها در ایران پرداخته و این ریشه‌ها را در عوامل و مولفه‌هایی همچون نبود اجماع بر سر مفاهیم، ارزش‌ها، مبدأ، مسیر، مقصد و رواج مغالطه‌گری، اختلال پارانوئیک جامعه و اشتباه «سیاسی کردن» آن، تودرتوی نهادی قدرت در ایران و مسئولیت‌ناپذیری سیاست‌گذاران، عدم تعریف رابطه دولت با نظام، ملت، سرزمین، فرسودگی بدنه نهاد دولت (به ویژه طبقه میانی مدیران و کارشناسان) و فقدان ایده و اندیشه کارا دانسته و خروج ایران از بحران و گذار آن به سوی کشورهای توسعه‌یافته را تنها از طریق دگرگونی در بسیاری از نگرش‌ها، رویکردها، ساختارها و رویه‌های جاری از یک سو و احیا و تقویت «آیین کشورداری» مبتنی بر تعریف یک سیاست مستقل و پویای ملی، تنظیم روابط و برهم‌کنش‌های میان همه ارکان کشور (نظام، دولت، ملت و سرزمین)، مبنای قرار دادن منافع بلندمدت ملی در سرلوحه تمامی سازوکارهای سیاست‌گذاری کشور و در نهایت مسئله‌گشایی و داشتن عزمی راسخ برای درهم‌شکستن بسیاری از بن‌بست‌ها امکان‌پذیر دانسته است.

رنانی (۱۴۰۰) بر این باور است هیچ دولتی در مورد برنامه‌های توسعه که در این دوره‌ها تدوین کرده به کلی اعلام شکست یا پسروی نکرده است و گزارش‌ها حاکی از دستاورد برنامه و دستیابی به بیشترین اهداف برنامه بوده است وی سپس دلیل این مسئله را یکی بودن ناظر با طراح و مجری برنامه می‌داند. از آنجایی که طراح و گزارش‌دهنده برنامه دولت است؛ هیچ‌گاه نمی‌توانیم رصد دقیقی از فرآیند توسعه و آن هم رصد همه جانبه از همه ابعاد توسعه داشته باشیم. وقتی توسعه وارد فاز اصلی خود می‌شود که در تمام حوزه‌ها و ابعاد نهادهای متشکل مدنی شکل گیرد و نقش بازی کنند و نظارت کنند. در حوزه سیاست‌گذاری هم لازم است نهادهای مدنی وارد سیاست‌گذاری توسعه شوند و این حوزه از همه حوزه‌های دیگر مؤثرتر و تأثیرگذارتر است.

نتیجه پژوهش اکتشافی قلی پور و دیگران (۱۳۹۱) در بررسی عوامل مؤثر بر استفاده از سیاست پژوهی در ایران، به استخراج ۴ بعد اشاره دارد که عبارتند از (۱) زمینه (زمینه‌های تحقیق، خط مشی، استفاده‌کننده و عام، (۲) ویژگی‌های هویتی محقق (هویت فردی و سازمانی)، (۳) ویژگی‌های تحقیق (گزارش، نتیجه، ماهیت، نحوه انجام و انتشار تحقیق) و (۴) سیاستگذار (عقاید و نگرش، درگیری در تحقیق، توانمندی تحقیقی، ویژگی‌های حرفه‌ای، میل به جستجوی اطلاعات، تحصیلات و جمعیت شناختی). نتایج بررسی این ابعاد در نزد صاحب‌نظران حاکی از

آن است که بیشترین اتفاق نظر در بعد تحقیق بوده است. در این بعد نیز نحوه تهیه و تدوین گزارش از اهمیت بیشتری برخوردار بوده است. در همین راستا، پژوهش دیگری (قلی پور و همکاران ۱۳۸۹) به بررسی تاثیر سیاست پژوهی در فضای سیاستگذاری پرداخته است و با مطالعه موردی در مرکز پژوهش‌های مجلس، به این نتیجه رسیده است که بین وضع موجود و مطلوب سیاست پژوهی در این مرکز تفاوت معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر، فعالیت‌های سیاست پژوهی در جامعه آماری از تأثیرگذاری لازم در فضای سیاستگذاری برخوردار نیست. نتایج پژوهش ناظمی و همکاران (۱۳۹۹) مهمترین زمینه سازی‌های ناکارآیی در طرحهای توسعه و عمران شهری را به ترتیب نبود زبان مشترک برنامه‌ریزی، ضعف در سیاست‌سازی و سیاست‌گذاری، نبود ساختار حقوقی یکپارچه، ساختار سازمانی نامتناسب، نظام تصمیم‌گیری متمرکز، الگوی برنامه‌ریزی جامع سازگار نشده، ناسازگاری سامانه راهبری، دخالت نابجای عناصر قدرت، نبود ساختار ارزیابی، ناکارآمدی ساختار پایش و دیدبانی مشخص کرده است. نتایج تحقیق رضایی قادی و شیرخانی (۱۳۹۹) نشان می‌دهد نظام جمهوری اسلامی ایران در سیاست‌گذاری عمومی بر مبنای شاخصه‌های حکمرانی خوب، چندان موفق نبوده و مشکلاتی در اجرای آن داشته است. در عین حال نباید از ظرفیت‌هایی مانند قانون اساسی، چشم انداز بیست ساله و حتی برنامه‌های توسعه برای هدایت نظام سیاست‌گذاری به سمت برقراری الگوی حکمرانی خوب غافل شد؛ به ویژه آن که با ابلاغ سیاست‌های کلی نظام اداری و اقتصاد مقاومتی، رویه‌ها و فرآیندهای استراتژیک و راهبردی در جهت الگوی حکمرانی خوب طراحی شده اند.

احسانی و همکاران (۱۳۹۶) در تحقیق خود تحت عنوان قابلیت اثرگذاری پژوهش‌های فزاینده ایران بر توسعه کشور به این نتیجه رسیده‌اند که با وجود رشد چشمگیر پژوهش‌های ایران و به تبع آن ارتقاء بی‌نظیر رتبه جهانی ایران از لحاظ برون‌دادهای علمی منتشر شده طی دهه‌های اخیر، به جز در خصوص محصولات با فناوری بالا آن هم در یک بازه زمانی محدود، هیچ یک از پیامدهای اولیه مورد انتظار از پژوهش محقق نشده و به عبارت دیگر در هیچ یک از زنجیره تغییرات، بهبودی حاصل نشده است. به زعم یافته‌های این پژوهش فارغ از وجود یا نبود عوامل بیرونی تأثیرگذار، مجموعه پژوهش‌های ایران قابلیت‌چندانی برای ایفای نقش در توسعه کشور نداشته است.

عالم تبریز و عظیمی (۱۳۸۴) در تحقیق میدانی خود مهمترین عامل موثر در بهبود برنامه‌ریزی توسعه را کیفیت منابع آماری و اطلاعاتی از دیدگاه خبرگان برنامه‌ریزی کشور اعلام کرده‌اند. به زعم عسگری (۱۳۸۳) در اقتصاد ایران که در مواردی، تصمیم‌گیران از ویژگیها و معیارهای کافی در حوزه تصمیم‌گیری برخوردار نیستند و این که اصولاً بر این باور که برای هر مورد تصمیم‌گیری، بررسی و تحقیق و بکارگیری اطلاعات اساسی ضرورت اساسی دارد نزد همه تصمیم‌گیران تعمیق و نهادینه نشده است.

در برخی مطالعات با اشاره به کارکردهای مناسب اطلاع‌رسانی سیاست، مشاوره سیاستی و تسهیل کنندگی سیاست در آینده‌نگاری و هم‌چنین رشد آینده‌پژوهی از حیث تکنیک و اجرای فنی طرحها در ایران به کم توسعه‌یافتگی آینده‌پژوهی در عرصه ارتباط با فرآیند برنامه‌ریزی از یک طرف و مشارکت‌پذیری فرآیند از سوی دیگر اشاره شده و ایفای نقش موثر آن را در سیاستگذاری در گرو ساخت چشم‌انداز واحد بر اساس اجماع نخبگان، توسعه ساختار و فرآیند مناسب حکمرانی می‌دانند (رحمتی، میرعمادی، ۱۳۹۸: ۵؛ مشعلی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۲۱).

جاودانی (۱۳۹۴) در تحقیق خود با عنوان طراحی الگوی سیاست‌پژوهی در نظام آموزش عالی ایران با رویکردی توصیفی - تحلیلی، الگوی موجود و مطلوب سیاست‌پژوهی در آموزش عالی ایران را مورد توجه قرار داده است.

امیری فرح‌آبادی و همکاران (۱۳۹۵) در تحقیقی تحت عنوان آسیب‌شناسی فرایند سیاست‌پژوهی در نظام آموزش عالی ایران به این نتیجه دست یافته‌اند که آموزش عالی ایران، به دلیل برخی مسائل و چالشهای فرارو، نتوانسته است کارویژه‌های ماهیتی خود را به گونه‌ای مطلوب انجام دهد. کارویژه‌ها، مأموریتها و اهدافی که با توجه به اساسنامه‌های مصوب، در شکل‌گیری اولیه این مراکز و مؤسسه‌ها موردنظر بوده‌اند. به دنبال همین ناهم‌سویی، آموزش عالی ایران نیز نتوانسته است با سیاست‌گذاربهای منطقی، عقلایی و با پشتوانه علم و دانش روز، با چالشهای فراوان امروزی به نحو شایسته‌ای روبرو شود. در این بین، شاهد هدررفت منابع عمومی مختلف، اعم از مالی و انسانی هستیم.

۴- یافته‌ها و بحث

۴-۱- آسیب شناسی برنامه‌های توسعه و خلاء مرتبط با سیاست‌پژوهی و برهم‌کنشی آن

در مطالعات و بررسیها به صورت تفصیلی و کامل انواع آسیبهای برنامه‌های توسعه در ایران بررسی و دسته‌بندی شده است اما مسئله‌ای که مغفول مانده است نگاه اداری و بررسی ساختار نظام برنامه‌ریزی در ایران و راه حل کاربردی برای اجرایی نمودن آن است.

جدول شماره (۱) با استفاده از نتایج پژوهش فراتحلیلی بر آسیب‌شناسی‌های برنامه‌های توسعه در ایران توسط مکتون و همکاران (۱۳۹۳) که با استفاده از فرا تحلیل کیفی به شناسایی منابع و ترکیب نتایج، آسیب شناسی جامعی از مشکلات برنامه‌ریزی و نیز با نظم‌دهی به ابعاد مختلف آسیبه‌ها به درک و فهم موضوع کمک رسانده است. در این نوشتار و بر اساس تحلیل ثانویه در راستای شناسایی آسیبهای برنامه‌های توسعه، آسیبهایی که با کاستی‌های مطالعاتی و به نوعی سیاست‌پژوهی معطوف بوده است شناسایی و استخراج شده است. بر این مبنای مجموع از بین ۹۹ آسیب شناسایی شده در برنامه‌های توسعه، ۳۸ آسیب به نوعی معطوف به کاستیها و ایرادات مطالعاتی و سیاست‌پژوهی بوده است به سخنی دیگر ۳۸/۴ درصد از آسیب‌های برنامه‌های توسعه و عدم تحقق اسناد و برنامه‌های توسعه کشور معطوف به فقدان هم‌کنشی سیاست‌پژوهی به معنای واقعی است. در این میان بر اساس دسته‌بندی داده‌ها مرتبط با سطوح برنامه‌ریزی بیشترین سطح که مربوط به آسیبهای معطوف به مطالعات و هم‌کنشی سیاست‌پژوهی بوده به ترتیب با ۶۹/۲ درصد مربوط به سطح محتوایی برنامه‌ریزی، ۵۲/۶ درصد مربوط به بعد فرآیندی، ۴۱/۲ درصد سطح اجرایی برنامه و ۲۴ درصد آسیبهای مربوط به پیش‌نیازهای برنامه‌ریزی بوده است.

جدول شماره (۱) - شناسایی آسیبهای برنامه‌های توسعه معطوف و یا مرتبط با فقدان یا کاستی‌های سیاست‌پژوهی و هم‌کنشی آن

تعداد آسیب معطوف به سیاست- پژوهی	مرجع	آسیب شناسایی شده یا زیر مولفه	مولفه	آسیب های برنامه های توسعه
از ۵۰ آسیب، ۱۲ آسیب مرتبط با سیاست پژوهی شناسایی شده است.	شبکه تحلیلگران تکنولوژی، ۱۳۸۷	فقدان فهم مشترک در سطح مفاهیم توسعه	بنیادی	فاز صفر
	دفتر بررسی های اقتصادی، ۱۳۸۷	وجود برنامه متناقض	بنیادی	
		عدم انتخاب استراتژی صحیح توسعه	بنیادی	
		خلط مفهوم توسعه با مظاهر توسعه	بنیادی	
		تکراری بودن روش ها و الگوهای توسعه	بنیادی	
	دفتر بررسی های اقتصادی، ۱۳۸۷	عدم ارتباط سیستماتیک بین تعادل خرد و کلان برنامه ها و در اندیشه سیاستگذاران	نبود مکانیزم صحیح تصمیم سازی	
	شبکه تحلیلگران تکنولوژی، ۱۳۸۷	آسیبهای ناشی از تقدمات و تاخرات غیر منطقی در فرآیند تدوین برنامه	نبود مکانیزم صحیح تصمیم سازی	
شبکه تحلیلگران تکنولوژی، ۱۳۸۷	عدم وجود آمار و اطلاعات جامع و به هنگام و در دسترس- نبود اطلاعات کامل و شفاف از فعالیت‌های اقتصادی	مشکلات زیرساختی		
مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی، ۱۳۸۵	عدم هماهنگی مراکز قدرت در مورد تصمیم گیریهایی که تبعات بین المللی دارد. نبود یک وفاق جامع و مانع درباره بسیاری از واقعیتهای جهانی، عدم انسجام کافی میان قوای سه گانه	ساختار سیاسی		
از مجموع ۱۹ آسیب شناسایی شده، ۱۰ آسیب معطوف به سیاست پژوهی بوده است.	شبکه تحلیلگران تکنولوژی، ۱۳۸۷	به مشارکت نگرفتن ذینفعان توسعه و عدم حصول اجماع و توافق در برنامه های توسعه	غیر مشارکتی	فرآیند برنامه‌ریزی
	خاندوزی ۱۳۸۹	برنامه‌ریزی محفلی به جای برنامه‌ریزی مشارکتی و مبتنی بر اجماع	غیر مشارکتی	
	سیف الدینی و پناهنده خواه، ۱۳۸۹	عدم توجه به محدودیتهای واقعی و اجرایی	غیر مشارکتی	
	شبکه تحلیلگران تکنولوژی، ۱۳۸۷	غلبه رویکردهای کمی و تکنیکهای اقتصادسنجی بر تحلیل سیاستی	فاقد تحلیلهای همه جانبه	
	دفتر بررسی های اقتصادی، ۱۳۸۷	توجه یک جانبه به تقاضای اقتصاد- عدم توجه به نهادهای نابازاری - نبود یک وفاق جامع و مانع درباره بسیاری از واقعیتهای جهانی	فاقد تحلیلهای همه جانبه	
	شبکه تحلیلگران تکنولوژی، ۱۳۸۷	ترکیب نادرست کارشناسی برنامه ریزان	تدوین توسط تیم نامناسب	

تعداد آسیب معطوف به سیاست- پژوهی	مرجع	آسیب شناسایی شده یا زیر مولفه	مولفه	آسیب های برنامه های توسعه
	دفتر بررسی های اقتصادی، ۱۳۸۷	عدم آینده نگری صحیح	عدم آینده نگری صحیح	
	دفتر مطالعات برنامه و بودجه، ۱۳۹۱	عدم تعریف نقاط بازیابی در برنامه ها	عدم وجود فرایند منطقی در تدوین برنامه	
از مجموع ۱۳ آسیب شناسایی شده، ۹ آسیب مرتبط با سیاست پژوهی بوده است.	شبکه تحلیلگران تکنولوژی، ۱۳۸۷	ابهام در نحوه ارتباط اسناد بلند مدت و میان مدت- عدم وجود الگوی روشن و رابطه علی و معلولی صحیح	ناسازگاری و ناهماهنگی	محتوای برنامه ریزی
	شبکه تحلیلگران تکنولوژی، ۱۳۸۷	عدم همخوانی با برنامه های توسعه قبلی - عدم وجود تعاریف دقیق و مشخص از اصطلاحات برنامه ای	ناسازگاری و ناهماهنگی	
	شبکه تحلیلگران تکنولوژی؛ ۱۳۸۷	جامعیت بودن برنامه ها و عدم اولویت گذاری صحیح - عدم همسویی و یکپارچگی برنامه های بخشها	عدم اولویت گذاری صحیح	
	شبکه تحلیلگران تکنولوژی، ۱۳۸۷	عدم توجه به برنامه ریزی فضایی و منطقه ای	عدم توجه به آمایش سرزمین	
	شبکه تحلیلگران تکنولوژی، ۱۳۸۷	با ثبات در نظر گرفتن شرایط و عدم توجه به سناریوهای آینده	عدم توجه به سناریوهای احتمالی آینده	
	شبکه تحلیلگران تکنولوژی؛ ۱۳۸۷	عدم وجود برنامه های اجرایی و عملیاتی	عملیاتی نبودن و نداشتن ضمانت اجرائی	
از مجموع ۱۷ آسیب کلی شناسایی شده ۷ آسیب معطوف به سیاست پژوهی بوده است.	شبکه تحلیلگران تکنولوژی، ۱۳۸۷		ابهامات در نحوه ارائه گزارشها	اجرا (پس از برنامه ریزی)
	شبکه تحلیلگران تکنولوژی، ۱۳۸۷		بی تاثیر بودن گزارش عملکرد بر روندهای اجرایی	
	شبکه تحلیلگران تکنولوژی، ۱۳۸۷		فقدان معیارهای مشخص برای انتخاب موضوعات سیاستها	
	شبکه تحلیلگران تکنولوژی، ۱۳۸۷		فقدان ابزارهای سیاستی متناسب با هدف	
	دفتر مطالعات برنامه و		عدم ارتباط منطقی	

تعداد آسیب‌های معطوف به سیاست-پژوهی	مرجع	آسیب‌شناسایی شده یا زیر مولفه	مولفه	آسیب‌های برنامه‌های توسعه
	بودجه، ۱۳۹۱		بین جداول کمی و محتوای برنامه‌ها	
	شبکه تحلیلگران تکنولوژی، ۱۳۸۷		وجود وظایف موازی در وزارتخانه‌ها	
	شبکه تحلیلگران تکنولوژی، ۱۳۸۷		وجود برنامه‌هایی دیگر با اولویت بالاتر	

۴-۲- تعدد و عدم هماهنگی، یکپارچه‌سازی و انسجام بین نهادهای متولی برنامه‌ریزی توسعه

به باور بسیاری از صاحب‌نظران و دلسوزان کشور، تورم و تعدد قوانین ناکارآمد و کم‌اثر علاوه بر اینکه خود اعتبار و مشروعیت قانون‌گرایی را زیر سؤال برده، سبب ایجاد دست‌اندازها، اختلافات و خلأهای جدی در مسیر پیشبرد توسعه در کشور شده و می‌تواند دولت را در ایران با تنگنانهایی مانند وجود نهادهای موازی، فقدان وجود انسجام و یکپارچگی در نظام اداری-اجرایی کشور، مجمع‌الجزایری شدن قدرت و ... روبه‌رو کند. از دیگر سو نبود زمینه سیاست‌ورزی برای حل مسائل و در نتیجه لاینحل شدن و عمیق‌تر شدن بحران‌ها و نارسایی‌ها به سبب توزیع نامتوازن و پراکنده قدرت‌های سیاسی، اجرایی، مالی و نظارتی در بین عناصر مختلف مؤثر بر توسعه کشور است که موجب شده که هیچ‌کس مسئولیت وضعیت کنونی را برعهده نگرفته و دیگری را مقصر بداند.

در مطالعات و پژوهش‌های آسیب‌شناسی برنامه‌های توسعه در ایران، نهادهای مشارکت‌کننده در آن و هماهنگی و سازماندهی آنان کمتر مورد توجه قرار گرفته است. نهادهای متعددی در برنامه‌ریزی کلان کشور نقش دارند که گاهی عملکرد این نهادها موازی و یا متداخل است و موجب موازی‌کاری در کارها می‌شود (جدول ۲).

مهم‌ترین نهادها که دارای مراکز پژوهشی و مطالعاتی نیز می‌باشند عبارت اند از:

۱. مجمع تشخیص مصلحت نظام که با مشاوره به رهبری سیاستهای کلی نظام و چشم انداز ۲۰ ساله آن را تعیین می‌کند مجمع دارای چندین مرکز مطالعاتی و بررسی راهبردی و پژوهشگاه و نیز چند فصلنامه علمی و پژوهشی نیز است.
۲. دولت و زیر مجموعه‌های آن که در تدوین و راهبری برنامه توسعه ۵ ساله نقش دارند. متولی تهیه و تدوین برنامه های توسعه در دولت سازمان برنامه و بودجه کشور است. هم اکنون این نهاد دارای مرکز نوپای پژوهش های توسعه و آینده‌نگری و موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی است. مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری نیز در نهاد ریاست جمهوری به عنوان یک مرکز سیاست‌پژوه فعالیت می‌نماید. افزون بر این تعداد زیادی مراکز مطالعاتی و تحقیقاتی در دولت (وزارتخانه‌ها) مشغول ارائه خدمات پژوهشی هستند.
۳. مجلس شورای اسلامی که برنامه های سالانه را در قالب بودجه تایید و تصویب می‌نماید. مرکز پژوهش های مجلس به عنوان مرکز مطالعاتی به مجلس مشاوره می‌دهد.
۴. شورای عالی انقلاب فرهنگی که سیاست های فرهنگی و نیز نقشه جامع علمی کشور را تدوین می‌کند.
۵. مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت که در حال تدوین سند الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت است.

جدول شماره (۲) - نهادها و مراکز سیاست پژوه مرتب با نظام برنامه‌ریزی توسعه ایران و کارکردها و ماموریت آنها

ردیف	نهادهای سیاست پژوه	زیر مجموعه	سال تاسیس	ماموریت و شرح وظیفه	فصلنامه و گروه‌های پژوهشی
۱	مجلس شورای اسلامی	- مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی	۱۳۷۴	- ارایه اطلاعات و گزارش‌های کارشناسی برای نمایندگان مجلس شورای اسلامی؛ - مطالعه، پژوهش و ارائه نظرات کارشناسی در مورد تمام لوایح و طرح‌ها	راهبرد و مجلس - دارای دو معاونت پژوهشی (اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی)؛ ۹ دفتر مطالعاتی (عمومی، ارزیابی، زیربنایی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی، حقوقی، حکمرانی، سیاسی، انرژی و صنعت و معدن) و یک مرکز نوآوری و خانه خلاق قوه مقننه - در حال راه اندازی اندیشه‌های حکمرانی استانی
		- مرکز تحقیقات اسلامی	۱۳۹۰	واسطه‌ای فعال و هوشمند میان حوزه علمیه و مجلس شورای اسلامی است. ضمن بررسی طرح‌ها و لوایح ارجاعی از مجلس به لحاظ تطبیق با علوم و معارف اسلامی، با بازشناسی مستمر آسیب‌ها و نیازهای فقهی موجود در حوزه تقنین و قانونگذاری، پیشنهادات علمی و اجرایی مناسبی نیز به مجلس ارائه می‌نماید.	دین و قانون
۲	شورای نگهبان	پژوهشکده شورای نگهبان	مرکز تحقیقات شورای نگهبان از سال ۱۳۷۶ توسط این شورا ایجاد شده و در سال ۹۲ به پژوهشکده تبدیل گردیده است.	- پشتیبانی علمی و کارشناسی و ارائه نظرات مشورتی به شورای نگهبان	دانش حقوق عمومی
۳	دبیرخانه مجمع	پژوهشکده تحقیقات راهبردی مجمع	پژوهشکده تحقیقات راهبردی مجمع	مطالعه مبانی و بنیان‌های نظری (شامل هستی‌شناسی،	فصلنامه راهبرد اقتصادی، فصلنامه سازمانهای بین المللی،

ردیف	نهادهای سیاست پژوه	زیر مجموعه	سال تاسیس	ماموریت و شرح وظیفه	فصلنامه و گروه‌های پژوهشی
	تشخیص مصلحت نظام	راهبردی	تشخیص مصلحت نظام از سال ۱۳۸۹ با مجوز رسمی از وزارت علوم، تحقیقات و فناوری آغاز به کار نموده است.	معرفت شناسی، ارزش شناسی، انسان شناسی، و روش شناسی اسلامی) در امور الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت، اقتصاد اسلامی، اقتصاد مقاومتی، سیاست‌های کلی اصل ۴۴، ولایت فقیه، حکمرانی و فقه حکومتی، سیاست خارجی و امور بین الملل، حقوقی و قضایی، دفاع و امنیت ملی، و فرهنگی-اجتماعی می باشد.	فصلنامه راهبرد، فصلنامه فرهنگ اجتماعی، فصلنامه روابط خارجی، فصلنامه راهبرد علم و فناوری، فصلنامه راهبرد حقوقی درحال حاضر دارای ۶ گروه پژوهشی فعال می باشد.
	مرکز مطالعات و بررسی های راهبردی			مرکز «مطالعات و بررسی- های راهبردی» به عنوان بازوی علمی-پژوهشی دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام، مسئول مدیریت امور پژوهشی مورد نیاز کمیسیون های تخصصی دائمی مجمع (کمیسیون علمی، فرهنگی و اجتماعی، کمیسیون سیاسی، دفاعی و امنیتی، کمیسیون زیربنایی و تولیدی، کمیسیون اقتصاد کلان، بازرگانی و اداری، و کمیسیون حقوقی و قضائی) را بر عهده دارد.	
	پژوهشگاه سیاست گذاری، توسعه پایدار و امور زیربنایی		به منظور تحقق اهداف سند چشم انداز جمهوری اسلامی ایران و سیاست های کلی نظام و ظرفیت سازی توسعه پایدار از طریق مطالعه، تحقیق، آموزش و مشاوره سیاستگذاری و اجرا، پژوهشگاه سیاست گذاری، توسعه	- انجام مطالعات و تحقیقات مشترک در زمینه های مرتبط با اهداف پژوهشگاه از قبیل شناخت الگوها و چارچوب های سیاستگذاری و نظام های نظارت بر اجرای سیاست های کلان - نیازسنجی تحقیقاتی و تأسیس اندیشه‌های مشترک با مراکز تحقیقاتی	تدوین پیش نویس سیاست ها توسعه روستایی و عشایری کشور برگزاری ۸ دوره تربیت مدیران راهبردی کشور تدوین ده ها جلد کتاب و گزارش های راهبردی در حوزه های مختلف انتشار ۳ مجله علمی و تخصصی

ردیف	نهادهای سیاست پژوه	زیر مجموعه	سال تاسیس	ماموریت و شرح وظیفه	فصلنامه و گروه‌های پژوهشی
			پایدار و امور زیربنایی مجمع تشخیص مصلحت نظام در سال ۱۳۹۷ تأسیس شده است.	دولتی و غیر دولتی جهت سیاست‌گذاری در امور زیربنایی و توسعه پایدار	
	پژوهشکده چشم انداز و آینده پژوهی		در راستای تحقق اهداف چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران و سیاست‌های کلی نظام از ابتدای دهه ۹۰ تأسیس شده و به پژوهش‌های آینده‌نگر و چابک با رویکرد اندیشگاهی می‌پردازد. این پژوهشکده با داشتن مجوز وزارت علوم تحقیقات و فناوری، از اعتبار مجمع تشخیص مصلحت نظام، ظرفیت وسیع و شبکه‌ای دانشگاه آزاد اسلامی در سراسر کشور و همچنین ارتباط ویژه با بدنه نخبگان راهبردی سود برده و از دانش آینده‌پژوهی برای ابتکار و نوآوری در سیاست‌گذاری بهره می‌برد.	- بسط آینده پژوهی در نظام تصمیم‌گیری کشور از مسیر نقش‌آفرینی اندیشگاهی - توسعه و ترویج آینده‌اندیشی در میان مسئولان، مدیران، نخبگان، دانشگاهیان و اقشار مختلف جامعه - اندیشه‌ورزی و آینده‌پژوهی راهبردی در جهت پایداری و پیش‌روندگی انقلاب اسلامی در قرن پانزدهم هجری شمسی	قطب آینده‌پژوهی راهبردی کشور با محوریت رفاه و تأمین اجتماعی با ۵ گروه پژوهشی آینده پژوهی در حوزه‌های تمدن، فرهنگی و اجتماعی اقتصاد و حکمرانی و سلامت
	اندیشکده سیاست‌گذاری دولت اسلامی		اطلاعات در سایت مجمع یافت نگردید و قسمت مربوطه در مورد فعال بودن این اندیشکده و گروه‌های پژوهشی در مقطع زمانی مورد بررسی (سال ۱۴۰۰)	حوزه تخصصی ماموریت اندیشکده سیاست‌گذاری دولت اسلامی در چهار محور تبیین مبانی نظری دولت اسلامی، طراحی نقشه راه، تحقق نظریه دولت اسلامی (مدیریت، ساختار، فرهنگ، منابع انسانی، قوانین	

فصلنامه و گروه‌های پژوهشی	ماموریت و شرح وظیفه	سال تاسیس	زیر مجموعه	نهادهای سیاست پژوه	ردیف
	و مقررات، و رویه ها و ...، طراحی الگوی سیاست گذاری در دولت اسلامی، و تعیین معیارها و شاخص سازی سیاست های کلی در جهت ارزیابی عملکرد دولت اسلامی است.	اطلاعاتی در بر نداشت.			
فصلنامه مطالعات راهبردی سیاستگذاری عمومی	یکی از سازمان‌های زیرمجموعه نهاد ریاست جمهوری ایران است، که در زمینه ارائه راهبرد به رئیس جمهور در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی فعالیت می‌نماید.	(مرکز تحقیقات استراتژیک) ۱۳۷۶	مرکز بررسی های استراتژیک ریاست جمهوری	ریاست جمهوری	۴
اتصال با ۹۶ اندیشکده	شبکه مطالعات سیاست گذاری عمومی (شمس) ایزاری برای ایجاد ارتباط میان نخبگان و سیاست گذاران است. این شبکه فضایی را فراهم آورده است که ایده های سیاستی نخبگان کشور در حوزه‌های گوناگون انتشار یابد و به سیاست گذاران دولتی منتقل شود. این شبکه که در سال ۱۳۹۳ با مدیریت مرکز بررسی های استراتژیک ریاست جمهوری تاسیس شده است. در این شبکه متون سیاستی خلاصه در موضوعاتی چون اقتصاد، سیاست خارجی، سیاست داخلی، بهداشت و سلامت، علم، فناوری و	این شبکه توسط مرکز بررسی های استراتژیک ریاست جمهوری در سال ۱۳۹۳ ایجاد شده است.	شبکه مطالعات سیاست گذاری عمومی (شمس)		

ردیف	نهادهای سیاست پژوه	زیر مجموعه	سال تاسیس	ماموریت و شرح وظیفه	فصلنامه و گروه‌های پژوهشی	
				نوآوری، محیط زیست، اجتماعی و فرهنگی منتشر می‌شود.		
				موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه ریزی براساس مصوبه شماره ۱۳/۶۵۵-ط مورخ ۸۱/۴/۳ شورای عالی اداری، از ادغام مرکز آموزش مدیریت دولتی و موسسه عالی پژوهش در برنامه‌ریزی و توسعه تشکیل شده است. این موسسه که در ابتدا مؤسسه عالی پژوهش در برنامه‌ریزی و توسعه نام داشت توسط گروهی آقایان طیبیان و مشایخی در سال ۱۳۶۸ زیر نظر سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی و با هدف ترتیب نیروی انسانی جهت سیاستگذاری اقتصادی بنا نهاده شد. در سال ۱۳۷۹ مرکز آموزش مدیریت دولتی با این موسسه ادغام شد و نام آن به «موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و	- موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه ریزی، مجموعه‌ای وابسته به نهاد ریاست جمهوری ^۱ و به عنوان اتاق فکر دولت جمهوری اسلامی است که در حوزه‌های پژوهشی و آموزشی فعالیت می‌کند. این موسسه در طول حیات خود فراز و نشیب‌های زیادی را به خود دیده است و افرادی از طیف‌های مختلف سیاسی در آن فعالیت داشته‌اند. ریاست موسسه متناسب با گرایش سیاسی دولت همواره دستخوش تغییر بوده است.	دارای ۷ گروه پژوهشی و سه گروه آموزشی - فصلنامه برنامه‌ریزی و بودجه - فصلنامه فرآیند مدیریت و توسعه

۱- هم‌اکنون موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی، مجموعه‌ای وابسته به سازمان برنامه و بودجه کشور است که در حوزه‌های پژوهشی و آموزشی فعالیت می‌کند.

ردیف	نهادهای سیاست پژوه	زیر مجموعه	سال تاسیس	ماموریت و شرح وظیفه	فصلنامه و گروه‌های پژوهشی
			برنامه‌ریزی تغییر یافت. لازم به ذکر است این مرکز در سال ۱۴۰۰ تحت نظر سازمان برنامه و بودجه کشور قرار گرفت.		
	سازمان برنامه و بودجه کشور	مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری	مورخ ۱۳۹۷/۱۱/۲۹ وزارت علوم، تحقیقات و فناوری موافقت قطعی خود با این مرکز اعلام کرده است	این مرکز با هدف پشتیبانی اندیشه‌ای از نظام برنامه‌ریزی و بودجه‌ریزی کشور به منظور مبتنی ساختن مستمر آن بر دانش و رویکردهای علمی در مسیر پیشرفت و توسعه و بهبود و همچنین توانمندسازی و ارتقای نظام برنامه‌ریزی و بودجه‌ریزی جمهوری اسلامی ایران فعالیت می‌نماید. - پاسخ‌گویی به نیازهای مطالعاتی و پژوهشی سازمان - آینده‌نگری پیرامون جریان‌های برنامه‌ریزی و توسعه	این مرکز دارای ۵ گروه پژوهشی است. - فصلنامه پژوهش‌های برنامه و توسعه - گاهنامه پایش توسعه و آینده‌نگری
۵	شورای عالی انقلاب فرهنگی	دیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی	تاسیس دفتر مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی توسط شورای عالی انقلاب فرهنگی در سال ۱۳۷۷ تصویب شده است لیکن در حال حاضر وجود یا عدم وجود این مرکز مطالعاتی در سایت این شورا مشخص نشده است	از جمله وظایف شورای عالی انقلاب فرهنگی، می‌توان در سه حوزه سیاست‌گذاری، تدوین ضوابط و نظارت تقسیم‌بندی نمود. تهیه و تدوین سیاست‌ها و طرح‌های راهبردی کشور در زمینه‌های مختلف فرهنگی از جمله در حوزه‌های زنان، تبلیغات، اطلاع‌رسانی، چاپ و نشر، بیسواد، دانشگاه‌ها، برقراری روابط علمی و پژوهشی و فرهنگی با سایر	فصلنامه راهبرد فرهنگ، فصلنامه دین و سیاست فرهنگی فصلنامه مهندسی فرهنگی که آخرین شماره آن در سال ۱۳۹۴ انتشار یافته است

ردیف	نهادهای سیاست پژوه	زیر مجموعه	سال تاسیس	ماموریت و شرح وظیفه	فصلنامه و گروه‌های پژوهشی
				کشورها، همکاری حوزه و دانشگاه، فعالیت‌های دینی و معنوی، تهاجم فرهنگی و سایر حوزه‌های فرهنگی مربوطه از جمله وظایف سیاست‌گذاری این شورا محسوب می‌شود.	
۶	وزارت علوم، تحقیقات و فناوری	مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور	۱۳۷۰	از جمله ماموریت‌های ویژه این مرکز دبیرخانه شورای عالی عتف، جامعه محوری و کارآفرینی در دانشگاهها، دبیرخانه اقتصاد مقاومتی وزارت عتف و پایش و ارزیابی پژوهش و فناوری و تدوین برنامه توسعه علم و فناوری در استانها می باشد.	آزمایشگاه سیاستی مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور نیز، فعالیت خود را با مأموریت کاهش شکاف میان بازیگران مختلف حوزه سیاستی که در زمینه ی علم، فناوری و نوآوری شامل نظریه پردازان و محققان سیاستی تا سیاست‌گذاران این حوزه و مخاطبین برنامه‌های سیاستی می شود آغاز کرده است. از این رو اصلی ترین مخاطبین این آزمایشگاه، سیاست‌گذاران، سیاست‌ورزان و سیاست‌پژوهان حوزه علم، فناوری و نوآوری هستند. این آزمایشگاه «کاهش شکاف میان طراحی و اجرای سیاست‌ها» را به عنوان اصلی ترین مقصود خود هدف گیری کرده است.

ردیف	نهادهای سیاست پژوه	زیر مجموعه	سال تاسیس	ماموریت و شرح وظیفه	فصلنامه و گروه‌های پژوهشی
۷	مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، اساتنام، تحت نظر مقام معظم رهبری، نهادهای است علمی و پژوهشی دارای شخصیت حقوقی و استقلال مالی، اداری و استخدامی که طبق اساتنام خود، اداره می‌گردد.	رئیس و اعضای شورای عالی مرکز با حکم رهبر معظم انقلاب اسلامی برای یکد دوره سه ساله منصوب می‌شوند.	برای دستیابی به الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، و لزوم استفادهی همه‌جانبه از ظرفیت‌های موجود در عرصه‌های علمی (حوزه‌ای و دانشگاهی) در جهت فراهم‌سازی مقدمات تدوین الگو و توسعه گفتمانی و تولید علم در این حوزه، مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در سال ۱۳۹۰ این مرکز تشکیل گردیده است.	اهداف مرکز : - تعمیق و توسعه تفکر، تحقیق و مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت نظریه پردازی درباره مبانی، اصول، شاخص‌ها و دیگر ابعاد الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و تکامل فرد و اجتماع بر اساس تعالیم و ارزش‌های متعالی اسلام ناب محمدی و با بهره‌مندی از دستاوردهای متفن علمی و تجارب ارزشمند بشری - ایجاد و حفظ فضای گفتمانی اصیل و قوی در حوزه و دانشگاه و در سطح جامعه حول محور الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت - طراحی و تدوین پیش نویس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت به عنوان سند بالادستی حاکم بر چشم‌اندازها، سیاست‌های کلی و برنامه‌های توسعه مبتنی بر مبانی اصیل اسلامی و منطبق بر مقتضیات و ویژگی‌های فرهنگی، اقلیمی و طبیعی ایران	دارای ۱۴ اندیشکده در چارچوب مبانی، ارکان و عرصه زندگی

۴-۳- هم پوشانی و عدم انسجام اسناد برنامه‌ای و توسعه‌ای

اسناد برنامه‌ای مختلفی در کشور وجود دارند که در بسیاری از موارد همپوشانی دارند و یا گاهی اهدافی متناقض و متضاد را دنبال می‌کنند و انسجام درونی و بیرونی آنها روشن نیست. برخی از این اسناد برنامه‌ای ملی عبارتند از:

- سند ملی آمایش سرزمین که با تلاش سازمان برنامه و بودجه و تکلیف قانونی برنامه ششم توسعه در اواخر سال ۱۳۹۹ به تصویب شورای عالی آمایش سرزمین رسید.
- سند الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت که بر اساس فرمایش رهبری پس از تدوین به عنوان سند بالادستی برنامه‌ها خواهد بود.

- سیاست های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران

- چشم انداز ۱۴۰۴

- برنامه های توسعه ۵ ساله

- برنامه های سالانه در قالب بودجه

برخی از این اسناد بدون توجه به اسناد بالادستی خود و در فضایی مستقل از محتویات آن شکل می‌گیرند. از دیگر سو غالب این اسناد و برنامه‌ها به اهداف قابل پیش بینی دست نیافته‌اند. در ارتباط با بحث محوری این نوشتار از نظر وفاق و اجماع و هم‌کنشی مراکز پژوهشی مرتبط در تدوین این اسناد، کمتر از نظرات سایر مراکز استفاده شده است که در این ارتباط تهیه و تدوین این اسناد در گام نخست دارای کاستی‌هایی است و یا از عدم هم‌کنشی مراکز سیاست‌پژوهی ناشی شده است. در حالی که اجماع و قانع‌سازی باید در تدوین این اسناد شکل گیرد نه این که؛ این اسناد تدوین و بعضاً مصوب شود و سپس به بوته نقد و آسیب‌شناسی قرار گیرد. برای نمونه کافی است پیشینه پژوهش‌ها در مورد نقدهای برنامه‌های توسعه و یا سند مهمی مانند سند تحول بنیادین آموزش و پرورش مورد بررسی قرار گیرد تا کاستی‌های آن در مقالات، طرح‌ها و پایان‌نامه‌ها مشخص گردد. در راستای اجماع‌سازی و وفاق و تعامل بین تدوین‌کنندگان اسناد توسعه‌ای، با توجه به اهمیت تدوین سند ملی آمایش سرزمین به عنوان تصویر سرزمینی توسعه در بلندمدت، نتایج یک پژوهش (میر محمدی و همکاران، ۱۳۹۹) تحت عنوان الگوی الزامات پیاده‌سازی اسناد آمایش سرزمین حتی برای اجرا به بعد تدوین صحیح آمایش در کنار سایر ابعاد مانند ماهیت آمایش، مدیریت منابع انسانی، سازمان مجری توانمند، نظارت و بازخوردگیری مناسب و ملاحظه شرایط محیطی دست یافته است. نکته مهم‌تر این که بعد تدوین صحیح مطالعات آمایش سرزمین در بین ابعاد دیگر بیشترین اهمیت را در پیاده‌سازی آمایش سرزمین به زعم صاحب‌نظران آمایش دارا بوده است.

به طور کلی نقد بر برنامه‌ریزی منطقه‌ای و آمایش سرزمین در ایران را می‌توان به دو بخش فرآیندی و برآیندی یا همان بعد نظری و اجرایی تقسیم نمود. فرآیند طرح‌فراگیر، مشارکتی و توافقی نبوده و بین برنامه‌ریزی کالبدی و آمایش تفکیکی قائل نشده است از این رو فرآیند برنامه‌ریزی در مسیر درست قرار نگرفته است. کاستی دیگر در اجرا نشدن و یا اجرای اندک این طرح‌ها و برنامه‌ها است. نظام برنامه‌ریزی کشور دلیل اصلی این کاستی است که جایگاهی برای اجرا شدن طرح‌ها ندارد. بدین معنا ابزار کافی برای سیاست‌گذاری فضایی تدبیر نشده است. هم‌چنین بخش‌های اجرایی و برنامه‌ریزی دارای اختلافات و تداخلات بسیاری هستند در حالی که سازوکار حل اختلاف، تداخل و رقابت‌های بخشی-فضایی جایگاهی در نظام برنامه‌ریزی ندارد. افزون بر این عدم تدوین برنامه‌ها و طرح‌های توسعه بر مبنای توسعه مردم محور، توسعه انصاف محور، توسعه بوم‌گرا و توسعه درون‌زا از جمله کاستی‌های نظری در طرح‌های منطقه‌ای ایران بوده است که مانع اجرایی شدن طرح‌ها نیز می‌شود. در مدل توسعه یاد شده محرک‌های برونی توسعه به تحریک درونی توسعه گره می‌خورد و دیگر توسعه‌ای نیست که تنها آبادی مکان را مدنظر داشته باشد، بلکه هدف اصلی آن خوشبختی مردم است. این موضوع دقیقاً بحث و نقد پیش روی نظریه پایه در برنامه‌ریزی منطقه‌ای است که مانع اصلی اجرایی شدن آن هم می‌شود (توکلی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۵۲).

هم‌چنین آسیبها در بخش اجرای سیاستها (اشتریان، ۱۳۸۷) به بی‌توجهی به مطالعه اجرای سیاستها، نبود چارچوب نظری مشخص در سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و اجرا، نبود تعریف فنی از سیاست، نبود دستورالعمل‌های صریح سیاستی، مطرح نبودن اولویت در ارزشها، نبود بدنه-ی کارشناسی دولتی مجهز به مهارت‌های لازم برای اجرای سیاست‌ها، نبود هماهنگی در بدنه‌ی دیوان‌سالاری از منظر مدیریت دانش و نبود عرصه‌ی عمومی حرفه‌ای برای بحث در اجرای سیاست‌ها تقسیم‌بندی شده است.

به طور کلی اغلب برنامه‌ها و اسناد فرادست توسعه در کشور از کاستی‌هایی مانند کلی بودن، چندوجهی بودن، تعارض با سایر اسناد، در نظر نگرفتن خواسته‌ها و نظرات دستگاهها، عدم وجود الزامات و التزامات جهت اجرایی شدن، عدم انطباق‌پذیری اسناد برنامه‌ها با اسناد بالادستی، فقدان شفافیت و صراحت، نبود درک مورد اجماع و قابل‌کاربست میان دست‌اندرکاران و مانند آن، و ... پابندی به آنها از سوی دست‌اندرکاران و تدوین کنندگان برنامه

صرفاً به صورت شکلی نمایش داده می‌شود. هم‌چنین اغلب برنامه‌ها در راستای توجیه و تعریف اعلام شکست یا پسروی برنامه‌ها در آن گزارش‌دهی نمی‌شود؛ به گونه‌ای که گزارش‌ها حاکی از دستاورد برنامه و دستیابی به بیشترین اهداف برنامه بوده است. به طوری که به زعم برخی صاحب‌نظران از جمله مهمترین چالش‌های توسعه در ایران؛ فقدان الگوی مناسب گزارش‌دهی توسعه است.

نکات فوق به نوعی اهمیت انجام درست مطالعات و پژوهش‌ها و هم‌کنشی بین مراکز پژوهشی و مطالعاتی و در یک کلام اهمیت و ضرورت سیاست‌پژوهی در نظام برنامه‌ریزی توسعه از یک سو و توجه به مطالعه اجرای سیاستها از دیگر سو برای حل مسائل و مشکلات و تدوین سیاستگذاری درست توسعه و تدوین اسناد و برنامه‌های قابل تحقق را مورد تأکید قرار می‌دهد.

۴-۴- رابطه علت و معلولی بین مولفه‌ها و آسیبهای عدم تحقق برنامه‌های توسعه با سیاست پژوهی

آسیب‌های شناسایی شده ناشی از عدم کاربرد مناسب پژوهش در استخراج سیاستها و راهبردها در فراتحلیل آسیب‌شناسی برنامه‌های توسعه عمدتاً یا جزء آسیبهای ریشه‌ای عدم تحقق برنامه‌های توسعه یا دارای تأثیر غیرمستقیم بر سایر آسیب‌هایی هستند که منشاء سیاست‌پژوهی کمتری دارند. از طرف دیگر یک سلسله روابط علت و معلولی بین آسیبها و عدم هماهنگی و انسجام نهادهای متولی برنامه‌ریزی توسعه و نیز عدم انسجام بین اسناد توسعه وجود دارد که منشاء آن معطوف به عدم استفاده از سیاست‌پژوهی یا عدم باور به مراکز سیاست‌پژوهی یا عدم هم‌افزایی و توافق بین اسناد و سیاستهای توسعه‌ای است. برای نمونه (با استفاده از تکنیک ۵ چرا برای یافتن حل ریشه‌ای یک مشکل و تعیین روابط بین علت‌های ریشه‌ای مختلف یک مساله) آسیب فقدان درک و فهم مشترک درباره مفهوم توسعه (جدول شماره ۱) که از آسیب فرعی دیگری به نام موقتی بودن سازماندهی و تشکیلات مربوط به نظام برنامه‌ریزی و محدود شدن آن به دوره تهیه برنامه‌های توسعه که این آسیب موجب عدم امکان تغییرات

۱- 5 whys (پنج چرا) به عنوان یکی از تکنیک‌های ریشه‌یابی علت مشکل با پرسیدن مکرر چرا (۵ بار یک قاعده تجربی خوب است)، می‌توان از لایه‌های ظاهری یک پدیده عبور کرده و علت ریشه‌ای آن پدیده رسید. هرچند این تکنیک را ۵ چرا می‌گویند، اما ممکن است تعداد کمتر یا بیشتر از پنج سوال پرسید تا موضوعات و دلایل مربوط به یک مساله را پیدا کنید.

سازنده بعد از تصویب برنامه‌های توسعه شده که پس از آن این امر باعث به وجود آمدن یکی از اصلی‌ترین آسیب‌های ریشه‌ای عدم تحقق سیاستها و اهداف برنامه‌های توسعه بنام "نبود درک مشترک برنامه‌ریزان، سیاستگذاران و مجریان از مفاهیم" می‌شود. بر این مبنا مولفه‌ها و آسیب‌ها در فازهای مختلف برنامه در اثر عدم استفاده از سیاست‌پژوهی می‌تواند به صورت علت و معلول یکدیگر به طور مستقیم و یا غیر مستقیم بر سایر آسیب‌ها نیز تاثیرگذار باشد. از این رو استفاده از پژوهش در فضای سیاستگذاری پیش‌زمینه و شرط مهم و لازم تحقق برنامه‌های توسعه است اگر چه برای عملیاتی و اجرایی شدن سیاستها و راهبردها فراهم بودن شروط کافی دیگری مانند وجود یک نظام حکمرانی و شایسته‌سالاری مناسب هم ضروری است.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

یافته‌های این نوشتار عدم یکپارچه‌سازی و هماهنگ‌سازی سیاستی توسعه در کشور را با توجه به مطالعات و دیدگاه‌های صاحب‌نظران و پژوهشگران به وضوح نشان می‌دهد. بخش عمده‌ای از سیاستگذاریها در قالب اسناد فرادستی و برنامه‌های توسعه انجام می‌شود که یافته‌های این مطالعه کاستی‌های فراوانی در طرح‌ها و اسناد فرادستی توسعه و هم‌چنین هم‌پوشانی و عدم انسجام اسناد برنامه‌ای و توسعه‌ای که بعضاً از ناهماهنگی بین سازمانها و نهادهای سیاستگذار و تصمیم‌گیرنده و اجرایی نشأت گرفته را بر آن صحنه می‌گذارد. از دیگر سو از بین ۹۹ آسیب و ایراد بررسی شده در مطالعه فراتحلیلی بر آسیب‌شناسی برنامه‌های توسعه ایران (۱۳۹۳)، ۳۸ آسیب و ایراد مربوط به جنبه‌های مطالعاتی و پژوهشی و از سنخ سیاست‌پژوهی شناسایی گردید. به دیگر سخن ۳۸/۴ درصد از آسیب‌های برنامه‌های توسعه و عدم تحقق اسناد و برنامه‌های توسعه کشور معطوف به کاستی‌های مطالعاتی در سطوح تهیه برنامه‌های توسعه؛ پیش از برنامه‌ریزی، سطح محتوایی، سطح فرآیندی و سطح اجرایی است. در این راستا بیشترین کاستی و آسیب‌های مطالعاتی و سیاست‌پژوهی مربوط به سطح محتوایی برنامه‌ریزی با ۶۹/۲ درصد مشخص شده است.

شناسایی ۱۲ مرکز تحقیقاتی و مطالعاتی وابسته به نهادها و دستگاه‌های اجرایی مرتبط با برنامه‌ریزی توسعه کشور به انضمام اطلاعاتی در مورد ماموریتها و شرح وظایف و این مراکز از جمله یافته‌های دیگر این نوشتار است. فارغ از اقدامات و فعالیتهای ارزشمندی که در این مراکز عمدتاً در قالب انتشار مقالات و کتب صورت گرفته است این سوال مطرح می‌گردد که

این مراکز چه نقشی در پیشنهاد طرحها، برنامه‌ها و سیاستها و راهبردهای توسعه‌ای داشته‌اند چرا که یکی از پیامدهای اصلی پژوهش به ویژه در این مراکز حل مسائل و مشکلات جامعه است و آیا توانسته‌اند سیاستگذاری مناسبی در راستای ارتقاء شاخص‌های توسعه‌ای و رفاه جامعه داشته باشند؟ یا این که اساساً، آیا از توان و ظرفیت این مراکز استفاده شده است؟

نتایج آسیب‌شناسی‌ها و مطالعات و پژوهش‌ها، ساختار فعلی نظام برنامه‌ریزی توسعه و تدوین اسناد توسعه‌ای را چندان کارآمد و اثربخش ارزیابی نکرده است. در این راستا برخی از آسیبها در اثر لایه گمشده‌ای در فرآیند تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری نظام برنامه‌ریزی توسعه از یک سو و عدم هم‌کنشی مراکز و موسسات سیاست پژوه از دیگر سو نشات می‌گیرد. به نظر می‌رسد ظرفیت‌سازی و زمینه‌سازیها برای غلبه بر برخی از این آسیبها و در اولین گام از طریق آگاهی و شناخت از علل آسیبهای ریشه‌ای معطوف به عدم استفاده از سیاست‌پژوهی از یک سو و نیز هم‌کنشی سیاست‌پژوهی و اجماع و توافق‌سازی از دیگر سو می‌تواند محقق گردد.

با توجه به تراکم و تعدد مراکز مطالعاتی و تحقیقاتی در قالب پژوهشگاه، پژوهشکده، مرکز مطالعات راهبردی توسعه، مرکز پژوهش‌های توسعه؛ این که وضعیت فعلی، وضعیت مطلوب هم‌کنشی نهادهای درگیر در امر تدوین اسناد توسعه‌ای، میزان اثر بخشی و باورمندی به این مراکز جهت سیاست‌گذاریها و اتخاذ راهبردها و سیاست‌های توسعه‌ای باید چگونه باشد از پس مطالعات و پژوهش‌های ژرف‌نگر و همه‌جانبه در راستای طراحی الگویی برای پر کردن حلقه مفقوده سیاست‌پژوهی و هم‌کنشی آن در نظام برنامه‌ریزی توسعه به دست خواهد آمد. در همین راستا برخی پیشنهادات و راهکارها با هدف انجام اصلاحات ضروری و قابل تحقق در تدوین هرچه بهتر برنامه هفتم توسعه مورد اجماع بدنه کارشناسی و برگرفته از بررسی‌ها و مطالعات مانند؛ ابتناء به الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت به‌عنوان نقشه راه توسعه بلندمدت ملی، اصلاح قانون برنامه و بودجه و تنظیم روابط ارکان برنامه‌ریزی، مبنا قرار دادن نتایج اسناد آمایش سرزمین ملی و استانی، تدوین سیاست‌های کلی پیشنهادی مبتنی بر مسائل و اولویتهای کشور و ایده‌های جدید، اصلاح ساختار تدوین برنامه و ساختار لایحه پیشنهادی و تشکیل نهاد دائمی تدوین برنامه‌های توسعه ملی در سازمان برنامه و بودجه (ثامنی، ۱۳۹۹) زمینه‌سازیها و الزامات آن از مسیر هم‌کنشی سیاست‌پژوهی بین مراکز قوای سه‌گانه کشور و سایر نهادهای متولی برنامه‌ریزی توسعه می‌گذرد. برخی از پیشنهادات این نوشتار به شرح ذیل است:

- انجام پژوهشی کمی تحت عنوان عوامل موثر بر بهبود برنامه‌ریزی توسعه در ایران با تاکید بر جایگاه کاربست مطالعات در تحقق برنامه‌ها و سیاست‌گذاریها
- استفاده اثر بخش یافته‌های پژوهشی نهادهای تولید دانش و پژوهش در قلمرو برنامه ریزی توسعه در تصمیم‌سازی ها و تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌گذاری‌ها
- کاربست درس‌آموخته‌ها و آسیب‌شناسی‌های فراوانی که از برنامه‌های توسعه در قبل و بعد از انقلاب وجود دارد برای تدوین برنامه هفتم توسعه
- آسیب‌شناسی نهادها و مراکز سیاست‌پژوه در راستای استفاده شایسته‌تر از توان و کارکرد آنها جهت حل مسائل و مشکلات کشور، جلوگیری از طرح‌ها و سیاست‌هایی که منجر به فشار بر منابع و کسری بودجه مداوم دولت‌ها و تورم افسارگسیخته می‌گردد.
- ارائه توصیه‌های سیاستی جهت تدوین برنامه‌ها و اسناد توسعه‌ای و نیز ارائه سازو کارهای وفاق و اجماع بر روش اداره و نظام برنامه‌ریزی توسعه کشور
- با توجه به تعدد مراکز پژوهشی و مطالعاتی در دستگاه‌های اجرایی و مراکز آموزش عالی در راستای اثر بخشی این مراکز مطالعاتی در شاخص‌های رفاه و توسعه کشور، بازنگری در نظام برنامه‌ریزی توسعه در گام اول در زیر نظام پژوهش‌های توسعه‌ای (تدوین کنندگان اسناد و برنامه‌های توسعه‌ای) ضروری و اجتناب‌ناپذیر می‌نماید. در این راستا ایجاد مرکزی تحت عنوان، مرکز سیاست‌پژوهی و نظارت‌پژوهی توسعه با رویکرد مهندسی بالادستی (فراقوه‌ای) حاکمیتی در تعامل با سایر نهادها و مراکز تحقیقاتی دستگاه‌های اجرایی، دانشگاه‌ها و مراکز مطالعاتی بخش خصوصی و نهادهای مدنی از جمله پیشنهاد‌های مهم دیگر این نوشتار است.

منابع

- اشتریان کیومرث و راضیه امامی میبدی (۱۳۹۳)، ساماندهی ارزیابی سیاست‌های عمومی در جمهوری اسلامی ایران، **دو فصلنامه دانش سیاسی**، سال دهم، پیاپی ۲۰، صص ۳۹-۵.
- آقاچانی، رضا (۱۳۹۳)، ضرورت باز طراحی نظام برنامه ریزی توسعه در ایران، مجموعه آثار و مقالات برگزیده **دهمین کنگره پیشگامان پیشرفت**.

- امیری فرح‌آبادی جعفر ، محمود ابوالقاسمی و محمد قهرمانی (۱۳۹۵)، آسیب‌شناسی فرآیند سیاست- پژوهی در نظام آموزش عالی ایران؛ مطالعه‌ای کیفی، **فصلنامه مطالعات میان رشته‌ای در علوم انسانی**، دوره هشتم ، شماره ۴. صص ۱۷۱-۱۳۹.
- بیات‌ریزی ، زهره (۱۳۹۰)، استفاده از مطالعات اجتماعی در سیاست‌گذاری: تجارب جهانی و دل‌شوره- های ایرانی ، **مجله مطالعات اجتماعی ایران**، دوره پنجم ، شماره ۵ صص ۴۴-۲۱.
- توفیق ، فیروز (۱۳۸۵)، **برنامه‌ریزی در ایران و چشم انداز آینده آن**، موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت.
- توکلی مرتضی ، آرام ابراهیمی و سمیرا حمیدی تهرانی (۱۳۹۷)، تحلیل الگوی منطقه‌بندی آمایش سرزمین در ایران از پسامشروطه تا بحال، **فصلنامه برنامه ریزی و آمایش فضا**، دوره ۲۲، شماره ۱.
- جاودانی ، حمید (۱۳۹۱)، **سیاست‌پژوهی لایه گمشده در فرایند تصمیم‌گیری و سیاستگذاری نظام آموزش عالی** ، تهران، موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه ریزی.
- جاودانی، حمید (۱۳۹۴) ، طراحی الگوی سیاست‌پژوهی در نظام آموزش عالی ایران. **فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی**، ۲۱(۲)، ۱۰۴-۸۱ .
- حداد، غلامرضا (۱۴۰۰)، ابر مسئله ایران چیست؟ (<https://fararu/fa/news>) .
- ثامنی ، امیر (۱۳۹۹) ، طرحی نو برای برنامه هفتم توسعه ، روزنامه دنیای اقتصاد شماره ۴۸۹۱.
- ثامنی ، امیر (۱۳۹۸) ، چرا دولتهاشکست می‌خورند، برگرفته از ایده‌های دکتر فاضلی روزنامه شرق شماره ۳۵۸۶.
- عسگری ، جعفر (۱۳۸۳) ، مدیریت: چالش اصلی اقتصاد ایران ، **چهارمین کنفرانس بین‌المللی مدیریت کیفیت** .
- عالم تبریز، اکبر و عظیمی (۱۳۸۴)، شناسایی عوامل موثر در بهبود برنامه‌ریزی توسعه از دیدگاه کارشناسان، مجموعه مقالات **همایش سیاستها و مدیریت برنامه های رشد و توسعه ایران** ، تهران ، اسفند ۱۳۸۲، موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه ریزی .
- فراستخواه، مقصود(۱۳۹۷) ، **دانشگاه و آموزش عالی: منظرهای جهانی و مسئله‌های ایرانی**: نشر نی
- قلی‌پور ، رحمت الله ، بهزاد پورسید، علی حمیدی زاده و عبدالرضا امیری (۱۳۸۹) ، بررسی تأثیر سیاست پژوهی در فضای سیاست‌گذاری (مطالعه ی موردی در مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی) ، **نشریه مدیریت دولتی** دوره ۲ شماره ۴. صص ۱۴۴-۱۲۷.
- قلی‌پور ، رحمت الله، سید مهدی الوانی، حسن زارعی متین، غلامرضا جندقی و علی حمیدی زاده (۱۳۹۱)، طراحی مدل عوامل موثر بر استفاده از سیاست‌پژوهی در سیاست‌گذاری؛ با استفاده از نگاشت مفهومی، **مجلس و راهبرد** ، سال ۱۹ شماره ۷۰ صص ۱۳۲-۱۰۳.

- صرافی، مظفر و ناصر نجاتی (۱۳۹۳)، رویکرد نومنتقه‌گرایی در راستای ارتقاء نظام مدیریت توسعه فضایی ایران، **فصلنامه پژوهش‌های جغرافیای انسانی**، دوره ۴۶، شماره ۴.
- مشعلی، بهزاد، حسن شیبانی، ابراهیم حاجبانی و علی قنبری (۱۳۹۷)، خاستگاه آینده‌نگاری و جایگاه آن در سیاست‌گذاری بخش عمومی، **فصلنامه آینده‌پژوهی مدیریت**، سال ۲۹، شماره ۱۱۵، صص ۱۳۶-۱۱۹.
- مکنون، رضا، جلیل سلیمی و محسن بهرامی (۱۳۹۳)، فراتحلیلی بر آسیب‌شناسی های برنامه‌های توسعه در ایران، **فصلنامه راهبرد اقتصادی**، سال سوم، شماره ۱۰.
- میر محمدی، سید محمد، کاظمیان، غلامرضا و سجاد رضایی (۱۳۹۹)، الزامات پیاده‌سازی آمایش سرزمین در فرایند مدیریت و توسعه کشور، **فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان**، دوره ۹، شماره ۳۴، صص ۳۸۹-۳۶۰.
- رحمتی، فاطمه سادات و طاهره میر عمادی (۱۳۹۸)، جستاری در تحلیل رویکرد مطالعات آینده جامعه ایران در پرتو نگرش نسل‌های آینده‌پژوهی، **فصلنامه راهبرد**، شماره ۹۱، صص ۳۳-۵.
- رضایی قادی، مهدی و علی شیرخانی (۱۳۹۹)، ارزیابی سیاست‌گذاری عمومی در نظام جمهوری اسلامی ایران بر مبنای نظریه حکمرانی خوب، **فصلنامه سیاست متعالیه**، سال ۸، شماره ۳۰.
- رنانی، محسن (۱۴۰۰)، گزارش ملی توسعه به روایت محسن رنانی، <https://www.forsatnet.ir>
- رنانی، محسن (۱۳۹۷)، توسعه نیافتگی کشور را باید در دوران کودکی جستجو کرد <http://www.pana.ir>
- ناظمی، غلامرضا، راضیه رضازاده، عمیدالاسلام ثقه الاسلامی و هادی سروری (۱۳۹۹)، بازخوانی و زمینه‌یابی ناکارایی‌های طر‌حهای توسعه و عمران (جامع شهری ایران)، **فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی**، دوره ۱۰ شماره ۳۶.
- ندری، کامران (۱۴۰۰)، گره اقتصاد ایران کجاست؟ روزنامه ایران شماره ۷۷۴۱.

- Anderson, E. J. (2011). *Public policymaking: An introduction* (7 ed.). Boston, MA: Wadsworth Publishing.
- Anthes, C. (2007) **An exploratory study of how policy research is in the policy process by policymaker staff and public administrators** (PHD dissertation) University of Colorado Denver, and Health Science Center.
- Cillo, Paola, (2005) *Fostering Market Knowledge Use in Innovation: The Role of Internal Broker*, **European Management Journal**, Vol.23, No.4, PP412-404.
- Ozga, Jenny, (2007) *Knowledge, and Policy: Research and Knowledge Transfer*, **Critical Studies in Education**, Vol21, No1, PP.63-78.
- <https://donya-e-eqtesad.com>